

خلاصه درس:

برگه درس

صفحه 1605 و 1606

اقتضای اسناد و اخبار در تعارض اخبار (غیر از اصل اولی)، اقسام اخبار، و...

تتبع

محقق خراسانی اقتضای اجماع منقول و غیر واحدی از روایات را در تعارض اخبار عدم سقوط می‌داند، اعم از این که متکافی باشند یا غیر آن.¹

وی در ادامه، چنان چه متعارضین غیر متکافی باشند، می‌فرماید: این مفروض از سه فرض خارج نیست:

1. حجت و اماره‌ای دال بر تعیین گزینه تخییر در این مفروض هست؛

2. دلیلی دال بر تعیین گزینه تعیین اخذ به راجح هست؛

3. دلیل بر هیچ طرف نداریم.

در حالت سوم می‌فرماید: «اللازم ... هو الاقتصار علی الراجح منهما للقطع بحجیته تخییراً او تعیناً بخلاف الآخر لعدم القطع بحجیته و الاصل عدم حجیة ما لم یقطع بحجیته. بل ربما ادعی الاجماع ایضاً علی حجیة خصوص الراجح. و استدلال علیه بوجه احسنها الاخبار»². فتامل.³

اقسام اخبار علاجیه با مدیریت محقق خراسانی

ایشان سپس به اخبار مربوطه، همراه با مدیریت آن‌ها اشاره کرده، می‌فرماید (باتلخیص):

«و هی علی طوائف: منها ما دل علی التخییر علی الاطلاق کخبر الحسن بن الجهم؛ و منها ما دل علی التوقف مطلقاً؛ و منها ما دل علی ما هو الحائط منها؛ و منها ما دل علی الترجیح بمزایا مخصوصة و مرجحات منصوصة من مخالفة القوم و موافقة الكتاب و... علی اختلافها فی الاقتصار علی بعضها و فی الترتیب بینها؛ و لأجل اختلاف الاخبار، اختلفت الانظار»⁴. ایشان در گام بعد به اختلاف آرا اشاره می‌کند و دو اندیشه کلی را ارائه می‌دهد؛ بدین قرار:

«منهم من اوجب الترجیح بها، مقیدین باخباره اطلاقات التخییر و هم بین من اقتصر علی الترجیح بها و من تعدی منها الی سائر المزایا الموجبة لاقوائیة ذی المزیة و اقربیته كما صار الیه شیخنا العلامة او المفیده للطن، كما بما یتظهر من غیره»⁵. وی سپس به وجه اقتصار به مرجحات منصووص اشاره می‌کند که در مباحث آتی به آن می‌پردازیم.

ایشان در بحثی واسع در پیوند با اخبار باب به نتیجه ذیل می‌رسد:

«ان اطلاقات التخییر محکمة و لیس فی الاخبار ما یصلح لتقییدها. نعم قد استدلل علی تقییدها و وجوب الترجیح فی المتفاضلین بوجه آخر»⁶. وی سپس به دو وجه اشاره می‌کند و هر دو را مورد اشکال قرار می‌دهد. ملاحظه نمایید:

1. «منها دعوی الاجماع علی الاخذ باقوی الدلیلین. و فیه ان دعوی الاجماع، مع مصیر مثل کلینی الی التخییر و هو فی عهد الغیبة الصغری و یخالط النواب و السفراء مجازفة».

2. «انه لو لم یجب ترجیح ذی المزیة، لزم ترجیح المرجوح علی الراجح و هو قبیح عقلاً بل ممتنع قطعاً. و فیه انه انما یجب الترجیح لو كانت المزیة موجبة لتأكد ملاک الحجیة فی نظر الشارع؛ ضرورة امکان ان تكون تلك المزیة بالاضافة الی ملاکها من قبیل الحجر فی جنب الانسان و كان الترجیح بها بلا مرجح و هو قبیح...»⁷.

واضح است که وجوه و احتمالات دیگری نیز در راستای اثبات لزوم اخذ به ذی‌المزیة گفته شده است که در وقت بررسی

تفصیلی اخبار و لدی الاقتضاء به آن وجوه، اشاره خواهیم کرد.

شیخ انصاری نیز مقتضای غیر واحدی از اخبار را عدم تساقط می‌داند با فقد مرجح و وجود مرجح.8

لکن چون مفروض کلامش وجود تکافؤ است، سه گزینه را مطرح می‌کند:

«فهل يحكم بالتخيير او العمل بما طابق الاحتياط او بالاحتياط و لو كان مخالفا لهما، كالجمع بين الظهر و الجمعة مع تصادم

ادلتهما و كذا بين القصر و الاتمام، وجوه».9

وی سپس به مشهور و جمهور مجتهدین، گزینه اول را نسبت می‌دهد و آن را مقتضای اخبار می‌داند.10

ایشان در انگاره وجود مرجح، وجوب ترجیح را اندیشه مشهور می‌داند و آن را به اجماع، سیره قطعیه منقول و محصل و تواتر

اخبار بر وفاق آن مستند می‌کند. افزون بر این همه، به وجهی عقلی استناد کرده11 و در نهایت اندیشه خود را به قرار ذیل، ارائه

می‌نماید:

اندیشه تحقیق در مسأله از شیخ انصاری

1. كفاية الاصول، ج2، ص389.

2. همان.

3. آن چه در متن به آن اشاره شد، یک نظر در مسأله است؛ نظر دیگر اجرای برائت در وقت دوران امر بین تعیین و تخییر است. و البته آن چه به نظر می‌رسد، تفصیل در مسأله است؛ با این توضیح که دوران امر بین تعیین و تخییر، گاه به تکلیف زائد بدون رجوع به شک در حجیت برمی‌گردد؛ نظیر شک در تعیین سه تسبیحات در نماز یا تخییر بین آن و یک تسبیحات، در این جا مجال قول به احتیاط و تعیین سه تسبیحات نیست بلکه باید به برائت قائل شد. لکن گاه دوران مزبور به شک در حجیت برمی‌گردد مثل فرض مورد گفتگو و یا تعیین تقلید از اعلم یا تخییر، در این جا آن چه در متن آمده، صحیح است. البته برخی از اصولیین

مثل شیخ انصاری، این مورد را داخل در گستره مسئله دوران امر بین تعیین و تخییر نمی‌دانند. (ر.ک: فرائد الاصول، ج4، ص50) شاید قائلان به برائت نیز تفصیل مزبور را پذیرا باشند. تفصیل کلام در مجال دیگر است.

4. همان، ص389 و 391.

5. همان، ص391 و 392.

6. همان، ص395.

7. همان، ص395 و 396.

8. البته تعبیر شیخ اعظم «مع فقد المرجح» است، لکن واضح است که عدم تساقط در فرض وجود مرجح هم مسلم است.

9. فرائد الاصول، ج4، ص39.

10. همان.

11. همان، صص47-50.

مشروح درس:

اقتضای اسناد و اخبار در تعارض اخبار (غیر از اصل اولی) / اقسام اخبار و ...

بسم الله الرحمن الرحيم

بحثی که داشتیم نقل کلام آقای آخوند بود پیرامون اخبار که مشهور به اخبار علاجیه است. قرار شد پنج مطلب از آقای آخوند بیان کنیم. قبل از این که مطلب سوم آقای آخوند را بیان کنم یک سؤالی برخی پرسیدند که دیدم سؤال خوبی است و آن این که: دیروز ما گفتیم اگر مجتهد شکش برسد به تعیین و تخییر که صدها مورد پیش می‌آید در این جا گفته شده که باید جانب احتیاط را بگیرد و ما تفصیلی دادیم و بعد هم گفتیم که این تفصیل از خود کفایه هم بیرون می‌آید و آن این بود که اگر شک در تعیین و

تخیر بر گردد به شک در تکلیف در زائد قدر مسلم را می گیریم و در زائد برائت جاری می کنیم چون شک به مقدار تکلیف بر می گردد اما گاهی شک بر میگردد به این که حجت است یا نه، در این جا باید احتیاط کرد. سؤالی که شده این است که همه جا شک بر می گردد به حجت و لا حجت و در مواردی که شک در تکلیف زائد هم هست در واقع شک به حجت و لا حجت بر می گردد مثلا وقتی که من شک دارم یک تسبیحات کافی است یا باید سه تا بگویم در واقع می دانم که روایت سه تا حجت است اما چون معارض دارد نمی دانم این روایت حجت است یا نه از طرفی اگر به روایت یکی عمل کنم خیالم راحت نیست و اگر به روایت سه تا عمل کنم خیالم راحت است. این یک مغالطه است در روایت یک تسبیحات و سه تسبیحات فرض این است که دو روایت معتبر داریم و شک در اعتبار روایت نداریم چون همه ی شرائط طریق بودن را دارد ولی برای من مجتهد معارض شده است پس شک به حجیت بر نمی گردد بلکه در مورد معارض دارد، برخی گفته اند احتیاط ما می گوئیم نه برائت جاری می شود ولی در مثل اعلم و غیر اعلم در واقع من نمی دانم غیر اعلم با وجود اعلم حجت است یا نه، طریق است یا نه؛ وقتی شک دارم حجت است یا نه دیگر نوبت به تعارض نمی رسد چون مشکوک الحجة مساوی است با علم به عدم حجیت. پس این دو با هم فرق می کنند البته فرقی لطیف است و در خارج این بحث از هم تفکیک نشده است و باید دقت کرد.

مطلب سومی که ایشان دارند این است که اخبار علاجیه چهار گروه هستند. خیلی جالب و شنیدنی است که اخبار علاجیه آمده اند برای علاج تعارض بین روایات ولی بیشترین دعوا را خودشان دارند و خودشان نیاز به علاج دارند. ایشان می گوید این اخبار به چهار گروه تقسیم می شوند:

برخی می گویند در هنگام تعارض تخیر مطلقا یعنی چه مساوی باشند از جهات گوناگون یا این که یکی ترجیح داشته باشد. برخی دیگر می گویند توقف مطلقا. این گروه مفادشان با اصل اولی یکی می شود البته اگر چنین روایاتی داشته باشیم چون برخی به آقای آخوند اشکال کرده اند که چنین گروهی نداریم.

گروه سوم روایاتی که می گوید اگر دو روایت تعارض کرد آنی را بگیر که حائز و مطابق با احتیاط است. مثل این که یک روایت می گوید اگر مسافت این مقدار بود نماز شکسته است و دیگری می گوید اگر این قدر بود نماز تمام است و می دانیم که شکسته و تمام مباین هستند نه اقل و اکثر چون دو رکعت با سلام است. در این جا احتیاط ندارد ولی اگر جایی احتیاط دارد مثل این که یک روایت می گوید واجب است و روایت دیگر می گوید واجب نیست (نمی گوید حرام است بلکه می گوید واجب نیست) اگر من انجام دهم احتیاط است.

گروه چهارم روایاتی که مرجحات را بیان می کنند. در این روایات هم در تعداد اختلاف است و هم ترتیب ها مختلف است. ما داریم کفایه می خوانیم و تا حالا سه مطلب را از کفایه بیان کردیم. ایشان اقسام اخبار را بیان کرد و بهترین کار بعد از بیان اقسام بیان اقوال است. ایشان می گوید اقوال مختلف است. اگر متکافئ باشند مشهور می گویند تخیر اما اگر یکی بر دیگری مزیت داشته باشد حداقل مشهور می گویند ترجیح. اما خود این گروه دوم (اصحاب ترجیح) تقسیم می شوند به مقتصرین و متجاوزین (این ها اصطلاحات ما هست) مقتصرین یعنی کسانی که می گویند باید اکتفا کرد به همان مرجحاتی که توسط امام آمده است. (آقای خوانساری می گوید اگر قرار شد مرجحات دیگری هم آورد دیگر مورد تخیر باقی نمی ماند چون در همه جا یک چیزی پیدا می شود و دیگر سهمی برای اخبار تخیر نمی ماند) اما برخی متجاوزین، متعدین، متکثرین هستند یعنی قائل به تکثیر هستند و می گویند چهار تا را امام فرمودند دوتا را هم ما به دست می آوریم و آنچه امام گفته اند مثال است نه انحصار. اگر قرار شد تجاوز کنیم این بحث خیلی در فقه تأثیر گزار است و گفتمان، فرهنگ، شخصیت فقیه خیلی می تواند تأثیر گزار باشد و یک چیزهایی را به عنوان ترجیح بیاورد که دیگری قبول ندارد و این در بحث های فقه سیاسی اجتماعی خیلی تأثیر دارد یکی از آن ها موافقت با مقاصد است اگر دو دلیل تعارض کردند اما یکی از آن ها با عدالت، با معاشرت بالمعروف (عاشروهن بالمعروف)، با شریعت سهله موافق تر است. ذیل همین اقوال در کفایه مطلبی است که خیلی مهم است.

عبارت کفایه:

«منهم من اوجب الترجیح بها مقیدین باخباره اطلاقات التخییر میگه برخی ها اصحاب ترجیح هستند (به تعبیر ما) حالا این ها اخبار تخیر را مقید می کنند به صورتی که برابر باشد نه صورتی که یکی بر دیگری مزیت داشته باشد. وهم (خود این ها دو دسته

هستند) بین مقتصرین من اقتصر علی الترجیح بها (مرجحات منصوص) و من تعدی (کسانی که به سایر مزایا ولو امام نفرموده اند) الموجب لاقوائیه ذی المزیة و اقربیهته كما صار الیه شیخنا العلامة او المفیده للظن كما ربما یظهر من غیره» خود متجاوزین گویا دو گروه می شوند یک گروه می گویند هر مزیتی اما مزیتی که موجب قوی تر شدن ذو المزیة و اقربیه آن به واقع شود ملاک است مثلا چهار کارشناس اقوی است نسبت به دو کارشناس چون نزدیک تر به واقع می کند. اما برخی گفته اند ما اقربیت الی الواقع را نمی خواهیم و می گویند آنی که موجب ظن می شود مثلا در اخبار خیلی ها می گویند خبر ثقه حجت است چه مفید ظن باشد و چه مفید ظن نباشد حتی اگر ظن برخلاف هم باشد حال اگر خبر اوثق شد باز هم می گویند ما کاری به گمان نداریم و معیار حجیت و عدم حجیت است در مقابل افرادی می گویند باید خبری باشد که موجب گمان می شود معمولا این ها کسانی هستند که می گویند موثوق الصدور بودن ملاک است نه ثقه بودن این ها معمولا می گویند معیار ایجاد گمان است لذا به نظر این ها اوثق بودن موجب اقربیت نمی شود، آنی که ملاک است مفید ظن بودن است.

و اما مطلب پنجم اظهار نظر خود ایشان است. ایشان یک بحث طولانی می کند و نهایتا چند مطلب می گوید: یکی از آن ها این است که به نظر من آخوند اخبار تخییر حاکم است یعنی تقییدش را هم قبول نمی کند و حتی جایی که یکی بر دیگری مزیت دارد اخذ به ذو المزیة لازم نیست جالب است که ایشان نه از متجاوزین نیست بلکه از مقتصرین هم نیست و می گوید اخبار ترجیح نهایتا افضل است و حاکم اخبار تخییر است مطلقا برای این که اصحاب ترجیح دو دلیل دارند که هر دو جواب دارد یکی اجماع است و دیگری این که اگر ترجیح ندهیم ترجیح بلا مرجح است ولی هم اجماعشان درست نیست و هم ترجیح بلا مرجح آن ها. اما اجماع درست نیست چون مرحوم کلینی در کافی تصریح می کند به تخییر. اما این که ترجیح بلا مرجح است انشاءالله فردا.